

فردگرایی تقنینی در آیین قانون دادرسی کیفری پلیس

نبی‌اله غلامی

استادیار، گروه فلسفه، حقوق و دین، مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

n_gholami@sbu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با محوریت مفهوم «فردگرایی تقنینی» به بررسی یکی از چالش‌های بنیادین نظام حقوقی ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات ۱۳۹۴ می‌پردازد. فردگرایی تقنینی در این پژوهش به‌عنوان پدیده‌ای تعریف می‌شود که در آن، اختیارات تقنینی یا شبه‌تقنینی به‌جای توزیع میان نهادهای متعدد، در اراده یک شخص خاص متمرکز می‌گردد. این وضعیت، ضمن تضعیف اصل تفکیک قوا و عقلانیت جمعی، به تمرکز قدرت در سطحی فردی منتهی می‌شود که می‌تواند آثار مستقیم بر حقوق بنیادین شهروندان بر جای گذارد. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه‌ی اسناد و تحلیل محتوای مواد قانونی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در قانون آیین دادرسی کیفری، بیش از شصت مورد از مواد، اجرای مقررات به تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها یا تشخیص و تأیید رئیس قوه قضائیه منوط شده است. این تمرکز گسترده اختیارات، به شکل‌گیری نوعی «تقنین شخص محور» منجر شده که نه تنها فلسفه قانون‌گذاری و نقش نهاد قانون‌گذار را مخدوش می‌سازد، بلکه خطر تحدید آزادی‌ها و حقوق اساسی را نیز در پی دارد. تحلیل نظری پژوهش، مبتنی بر اندیشه‌های ژان ژاک روسو درباره‌ی اراده‌ی عمومی، جان لاک درباره‌ی تحدید قدرت حاکم و یورگن هابرماس درباره‌ی عقلانیت ارتباطی است که براساس آن چنین نتیجه‌گیری شده که استمرار فردگرایی تقنینی در ساختار حقوقی ایران می‌تواند در بلندمدت موجب تضعیف مشروعیت دموکراتیک، کاهش شفافیت و پاسخ‌گویی، و نهایتاً فرسایش سرمایه‌ی اعتماد عمومی نسبت به نظام عدالت کیفری گردد.

واژگان کلیدی: فردگرایی، قوه قضائیه، تمرکزگرایی، حکومت قانون، دموکراسی.

Legislative Individualism in the Mirror of the Code of Criminal Procedure

Nabiollah Gholami

Assistant Professor, Department of Philosophy, Law, and Religion, Research Center and UNESCO Chair on Human Rights, Peace, and Democracy, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

n_gholami@sbu.ac.ir

Abstract

The present study, centered on the concept of *legislative individualism*, examines one of the fundamental challenges of Iran's legal system as reflected in the Code of Criminal Procedure enacted in 2013 (1392 A.H.S.) and amended in 2015 (1394 A.H.S.). In this research, *legislative individualism* is defined as a phenomenon in which legislative or quasi-legislative powers, instead of being distributed among multiple institutions, are concentrated in the will of a single individual. This situation, while undermining the principle of separation of powers and collective rationality, results in the concentration of authority at an individual level, which can have direct implications for citizens' fundamental rights. The research method is descriptive–analytical, based on the examination of legal documents and content analysis of statutory provisions. The findings indicate that in the Code of Criminal Procedure, more than sixty provisions condition the implementation of rules on the approval of bylaws, directives, or the discretion and authorization of the Head of the Judiciary. This extensive concentration of powers has led to the emergence of a form of *person-centered legislation* that not only distorts the philosophy of lawmaking and the role of the legislature but also poses risks of restricting fundamental freedoms and rights. The theoretical analysis draws on the ideas of Jean-Jacques Rousseau regarding the *general will*, John Locke on the *limitation of sovereign power*, and Jürgen Habermas on *communicative rationality*. Based on these frameworks, the study concludes that the persistence of legislative individualism within Iran's legal structure may, in the long term, weaken democratic legitimacy, reduce transparency and accountability, and ultimately erode public trust in the criminal justice system.

Keywords: legislative individualism, judiciary, centralization, rule of law, Democracy

تفوق قوانین موضوعه بر آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و به طور کلی رجحان و اولویت قوانین بالادستی بر قوانین فرعی، از جمله مسلمات حوزه تقنین به شمار می‌آید که براساس آن، در فرایند تقنین لزوم پابندی به هماهنگی قوانین و متابعت قوانین زیردست از قوانین بالادست ضروری است. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، اجرای برخی مقررات قانونی نیازمند فراهم نمودن زیرساخت‌های اداری-اجرایی و نیز ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف مرتبط با آن مقررات است. از اینروست که پیش‌بینی تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی از جمله موارد متداول در قوانین مختلف است. با این حال همواره این پرسش می‌تواند مطرح باشد که در مواردی که اجرای یک قانون نیازمند تصویب آیین‌نامه، دستورالعمل و ... است، دامنه واگذاری اختیارات برای تصویب این موارد تا کجاست و در مرجع صالح برای تصویب آن‌ها کیست. به علاوه این موضوع نیز مطرح است که اعطای اختیار برای تصویب آیین‌نامه اجرایی یک قانون تا چه اندازه می‌تواند مشروعیت داشته باشد.

اگرچه نمی‌توان این موضوع را منکر شد که در بسیاری از موارد، اجرای یک مقرر قانونی، ضرورتاً نیازمند وضع آیین‌نامه اجرایی آن مقرر است و بدون آیین‌نامه مقرر وضع شده عملاً متروک می‌ماند، با این حال افراط در وضع قوانین و مقرراتی که اجرای آن‌ها نیازمند تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی یا منوط به تشخیص و تأیید یک مقام خاص است می‌تواند موجب شود تا اجرای یک قانون (یک اجرای بخش اعظم یک قانون) به وضع آیین‌نامه‌ها یا احراز تشخیص یک مقام خاص گره بخورد. مسئله اینجاست که اگر اختیار وضع آیین‌نامه در یک قانون خاص به یک شخص خاص داده شده باشد، عملاً اجرای آن قانون خاص منوط خواهد شد به رأی و تصمیم آن مقام خاص. بر این اساس است که می‌توان از موضوعی با عنوان «فردگرایی» در تقنین و به عبارت دیگر «فردگرایی تقنینی»^۱ نام برد که می‌توان آن را به معنای تمرکز اختیار تقنین در اختیار یک نفر دانست به گونه‌ای که اراده او منبع وضع یا اجرای قانون باشد. نکته مهم در این خصوص این است که هرچند فردگرایی تقنینی در بادی امر وضعیت رژیم‌های توتالیتر، پادشاهی و ... را به ذهن متبادر می‌سازد، با این حال نکته مهم، قابلیت اجرا، و نیز اعمال آن در نظام‌های دارای دموکراسی است. بدین معنا که حتی در نظام‌های دموکرات هم این فردگرایی تقنینی می‌تواند مجالی برای بروز و ظهور داشته باشد و عملاً موجب شود دموکراسی از مفهوم تهی شود.

در نظام تقنینی ایران نیز پیش‌بینی وضع آیین‌نامه اجرایی برای مواد قانونی در قوانین مختلف وجود دارد. با این حال به نظر می‌رسد این موضوع در قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) رنگ افراط به خود گرفته و موجب شده است تا عملاً اجرای بخش عمده‌ای از این قانون، به اجرای تصویب‌نامه یا تأیید و نظر ریاست قوه قضائیه منوط گشته است. موضوعی که گرچه ممکن است در مواردی نظیر تسریع و تسهیل در اجرای قانون آیین دادرسی کیفری و افزایش کارایی آن- به دلیل ارتباط مستقیم این قانون با قوه قضائیه- گردد، با این حال نمی‌توان و نباید از مضرات و آسیب‌های احتمالی آن نیز چشم‌پوشی کرد.

بر این اساس، نوشتار حاضر به دنبال بررسی مصداقی فردگرایی تقنینی در قوانین ایرانی با مطالعه موردی قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲)، است. بر این اساس در بخش نخست این نوشتار، فردگرایی تقنینی و چالش‌های حاصل از آن از منظر فلسفه سیاسی و آراء اندیشمندان مختلف بررسی شده، و در ادامه قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان یکی قوانین مهم در حوزه کیفری، از منظر فردگرایی تقنینی (با اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه)، مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

^۱ هرچند در ادبیات مصطلح فردگرایی دیدگاهی است مبتنی بر تأکید بر ارزش فرد در مقابل جامعه و لزوم اولویت دادن به جایگاه و حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل جامعه، با این حال در فردگرایی در نوشتار حاضر را می‌بایست فارغ از این نگرش مورد توجه قرار داد. در واقع اصطلاح «فردگرایی» در این نوشتار با فردگرایی در ادبیات مصطلح صرفاً اشتراک لفظی داشته ولی از نظر مفهومی بر دو موضوع مختلف دلالت دارند.

۱- فردگرایی تقنینی؛ چارچوب مفهومی و چالش‌های نظری

فردگرایی تقنینی را از دو جنبه می‌توان مورد توجه قرار داد: نخست، واگذاری اختیار وضع قوانین و مقررات به یک شخص خاص؛ دوم، منوط کردن اجرای قوانین و مقررات بنا به صلاحدید و نظر یک شخص خاص. در حالت نخست، که از شمول نوشتار حاضر خارج است، وضع قوانین جنبه دیکتاتورماناآبانه به خود گرفته و یک شخص به جای همه تصمیم می‌گیرد. در حالت دوم، اصل تصویب قانون، مطابق با نظر جمع (مجلس) و مطابق فرایندهای دموکراتیک است، ولی در همان قانون مصوب مجلس، به شخص یا اشخاصی این اختیار (و البته تکلیف) داده می‌شود تا با تصویب آیین‌نامه‌هایی نسبت به اجرای مقرره‌های مصوب در آن قانون اقدام نمایند. در حالت اخیر است که ممکن است اجرای تعداد زیادی از مواد قانونی منوط به نظر یک شخص خاص شوند. اگرچه ممکن است این گزاره مطرح شود که مقنن با حکمت و درایت قبلی، صرفاً تنظیم آیین‌نامه‌های خاصی را به عنوان تکلیف به یک شخص خاص (مثلاً رئیس یک قوه یا یک یا چند ویز خاص) محول کرده و این موضوع بیشتر از آنکه اختیار و قدرت را به یک شخص خاص واگذار نماید، برای او تکلیف آور است. در پاسخ باید چنین گفت که هرچند این موضوع تا حدی صحیح است، با این حال نمی‌توان این نکته را از نظر دور داشت که فلسفه پذیرش ایجاد مجلس قانونگذاری، پیشگیری از استبداد رأی در آینده و دخالت دادن نظرات نمایندگان جامعه در قانون‌گذاری است، و واگذاری چنین اختیاری به یک شخص خاص، با مبانی قانون‌گذاری سازگار نمی‌باشد.^۲

۱-۱- چالش‌های فردگرایی تقنینی

۱-۱-۱- بحران مشروعیت سیاسی

ابتنای وضع قوانین بر خواست جامعه و شهروندان آن را می‌توان مبنای مشروعیت اغلب نظام‌های سیاسی مدرن دانست. این اندیشه به طور خاص در میان فلاسفه سیاسی نیز موضوعیت داشته است. براساس نظر جان لاک، بنیادهای مشروعیت قدرت سیاسی، مبتنی بر خواست و رضایت حکومت‌شوندگان است، و این خواست و رضایت تنها زمانی معنا می‌یابند که حکومت‌شوندگان بخشی از آزادی‌های طبیعی خود را به صورت آزاد و آگاهانه به حکومت واگذار نمایند.^۳ عدم وجود این رضایت و آگاهی برای واگذاری حقوق و آزادی‌های طبیعی، منجر به فرارگیری قانون در اختیار یک شخص و تجلی قانون به مثابه اراده یک شخص می‌شود^۴ شبیه همین دیدگاه توسط روسو بیان شده است. او بر نقش اراده عمومی در بنیان مشروعیت قانون تاکید

^۲ به همین دلیل است که اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین اشعار داشته است: «سِمَت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد».

^۳ William Uzgalis, "John Locke," in *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2024 Edition), ed. Edward N. Zalta, accessed December 2024,

^۴ Alex Tuckness, "Locke's Political Philosophy," in *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2021 Edition), ed. Edward N. Zalta, accessed June 2021.

می‌کند و قانون را تنها در صورتی مشروع می‌داند که بازتابی از اراده عموم باشد و نه اراده یک فرد یا گروه خاص.⁵ بر این اساس، ناپدید کردن اراده عموم برای تقنین (با واگذاری بخشی از حقوق طبیعی خود) به استبداد منجر خواهد شد.⁶

در خصوص ارتباط این موضوع با فردگرایی تقنینی، توجه به این نکته ضروری است که هرچند ممکن است اینگونه استدلال شود که مشروعیت سیاسی یک نظام حکومتی، مبتنی بر واگذاری امکان تقنین به صورت عام به حکومت است و این واگذاری می‌تواند در قالب اجازه تقنین موردی به شخص خاصی از حکومت نیز باشد. با این حال در پاسخ به این استدلال باید بیان کرد که فلسفه و مبنای مشروعیت اراده عموم است و این مبنای، می‌بایست در تمامی شئون تقنین رعایت گردد. چه اینکه در نظام‌های پادشاهی نیز بسیاری از شهروندان از وضع قانون توسط پادشاه رضایت دارند، با این حال این رضایت موجب نمی‌شود تا نظام سیاسی پادشاهی فی‌الذمه مشروعیت یابد.

۲-۱-۱- تعارض با حق آزادی فردی

مطابق نظر کانت، انسان بدین دلیل آزاد است که می‌تواند قوانینی را بپذیرد که از عقل عملی خودش سرچشمه می‌گیرند و نه از اراده بیرونی.⁷ این به معنای توانایی افراد برای خودقانون‌گذاری است و از جمع توانایی آحاد مردم برای قانون‌گذاری، یک قانون عام‌الشمول قابلیت استخراج می‌یابد. تأکید بر آزادی‌های فردی حتی مبنای مشروعیت قانون ذکر شده است و قانون در صورتی مشروع دانسته شده که تا حد امکان از آزادی‌های فردی حفاظت نماید.⁸ کانت مشروعیت قانون را در گرو احترام به آزادی‌های فردی می‌داند؛ بدین معنا که قانون تنها زمانی مشروع است که نه ابزار سلطه، بلکه ضامن آزادی و کرامت انسان‌ها باشد.⁹ بنابراین، هرگونه ساختار حقوقی یا سیاسی که اجرای قانون را به صلاحدید و اراده یک فرد خاص منوط سازد، در تعارض آشکار با اصول خودقانون‌گذاری و آزادی عقلانی انسان قرار دارد. در چنین حالتی، اراده عمومی جای خود را به اراده فردی می‌دهد؛ وضعیتی که کانت آن را نشانه بازگشت به قیم‌مآبی و نفی بلوغ عقلانی جامعه می‌داند. در پرتو این تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت که «فردگرایی تقنینی» در هر یک از دو شکل آن—چه در قالب واگذاری اختیار قانون‌گذاری، و چه در قالب اجرای قانون بنا بر تشخیص شخصی—با مبنای آزادی اخلاقی و فلسفه قانون‌گذاری عقلانی ناسازگار است. قانون، هنگامی واجد مشروعیت و الزام اخلاقی است که هم در فرایند تصویب و هم در فرایند اجرا، متکی بر اراده جمعی و عقل مشترک باشد، نه بر اراده یک شخص؛ اگر آن شخص در بالاترین مقام قدرت سیاسی یا حقوقی قرار داشته باشد.

۳-۱-۱- تمرکز قدرت و خطر استبداد

تمرکز قدرت در دست یک شخص خاص، همواره تهدیدی جدی برای اصول دموکراسی و مشروعیت قانون محسوب می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در حالتی که اجرای مقررات قانونی منوط به صلاحدید یک فرد خاص باشد، حتی اگر تصویب قانون مطابق نظر جمع و فرایندهای دموکراتیک انجام گرفته باشد، بخش قابل توجهی از اختیار تصمیم‌گیری و تفسیر قانون به یک نفر واگذار می‌شود. این تمرکز قدرت می‌تواند موجب شود اجرای قانون به جای بازتاب اراده عمومی، تابع نظر و مصلحت شخصی گردد. هرچند ممکن است مقنن با هدف الزام‌آور کردن اجرای آیین‌نامه‌ها برای یک مقام خاص عمل کرده باشد، فلسفه ایجاد مجلس قانون‌گذاری دقیقاً بر پایه پیشگیری از استبداد رأی و تضمین دخالت نمایندگان جامعه در فرآیند قانون‌گذاری شکل

⁵. Christopher Bertram, "Jean-Jacques Rousseau," in *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2023 Edition), ed. Edward N. Zalta, accessed December 2023

⁶. Joshua Cohen, *Rousseau: A Free Community of Equals* (Oxford: Oxford University Press, 2022), 45.

⁷. Ionuț Baiasu, "Kant's Formula of Autonomy: Continuity or Discontinuity?" *Philosophia* (2023): 1–20.

⁸. Adam Folland, "The Harm Principle and the Nature of Harm," *Utilitas* 34, no. 2 (2021): 139–153.

⁹. 22. Folland, "The Harm Principle and the Nature of Harm," 145.

گرفته است. بنابراین، واگذاری چنین اختیاری به یک فرد، حتی تحت عنوان تکلیف، با اهداف بنیادین قانون‌گذاری دموکراتیک ناسازگار است و به‌طور بالقوه زمینه‌ساز تمرکز قدرت و استبداد رأی می‌شود.

۴-۱-۱- حذف عقلانیت جمعی

حذف عقلانیت جمعی یکی از پیامدهای ملموس فردگرایی تقنینی است. از دیدگاه هابرماس مشروعیت قانونی مبتنی بر گفتگوی عقلانی و توافق میان شهروندان است^{۱۰}، این در حالی است که منوط کردن اجرای مقررات قانونی به تصویب آیین‌نامه‌ها یا تصمیم‌گیری یک شخص خاص عملاً منجر به جایگزینی اراده فردی با توافق جمعی است فردگرایی تقنینی به نوعی موجب تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در دست یک نفر می‌شود و به تبع آن، عقلانیت جمعی که اساس مشروعیت و کارآمدی قوانین است، به حاشیه رانده می‌شود. حتی اگر هدف مقنن صرفاً تسریع در اجرای قانون باشد، این تمرکز اختیار می‌تواند به نادیده گرفتن مصالح جمعی و تشویق به تصمیم‌گیری سلیقه‌ای منجر شود. در چنین ساختاری، قانون به جای آنکه بازتاب‌دهنده اراده جمع باشد، به ابزاری تبدیل می‌شود که تحقق آن وابسته به اراده یک فرد است و این خود تضاد آشکاری با فلسفه وجودی مجلس قانونگذاری و فرآیندهای دموکراتیک ایجاد می‌کند.

۲-۱- مقایسه تطبیقی فردگرایی تقنینی از منظر اراده عمومی و اقتدارگرایی

به رغم وجود دیدگاه‌های مختلف در خصوص حوزه خاستگاه قدرت و مشروعیت قانون، با این حال دو نظریه اراده عمومی (روسو) و اقتدارگرایی (هابز) به عنوان دو نظریه مهم در این حوزه واجد توجه هستند.

۱-۲-۱- مقایسه با نظریه اراده عمومی روسو

براساس دیدگاه ژان ژاک روسو، اراده عمومی عامل انتقال جامعه از وضعی طبیعی به وضع مدنی است.^{۱۱} مطابق دیدگاه روسو، قانون حاصل اراده عمومی است؛ یعنی اراده‌ای که خیر مشترک را دنبال می‌کند. شهروندان زمانی آزادند که در شکل‌گیری این قانون نقش داشته باشند. در مقابل، فردگرایی تقنینی، اراده عمومی را حذف می‌کند و اراده فرد را جایگزین آن می‌سازد. بدین ترتیب، مردم دیگر «قانون‌گذار» نیستند، بلکه «تابع» می‌شوند. در واقع، با در نظر گرفتن معیار روسو، واگذاری اختیار تصمیم‌گیری به یک شخص خاص را می‌توان وداع با آزادی دانست.^{۱۲}

۲-۲-۱- مقایسه با اقتدارگرایی هابز

فردگرایی تقنینی را از دو جنبه می‌توان با نظریه اقتدارگرایی هابز مقایسه کرد. از منظر تمرکز قدرت و از حیث مبنای مشروعیت. از منظر تمرکز قدرت، فردگرایی تقنینی را می‌توان نمودی از اقتدارگرایی هابز دانست، چرا که هر دو قدرت را به یک شخص خاص واگذار می‌کنند. هابز استدلال می‌کند که انسان‌ها در وضعیت طبیعی گرفتار جنگ هستند و برای رهایی از این جنگ و نزاع، می‌بایست قدرت مطلق را به حاکم واگذار نمایند.^{۱۳} بدین ترتیب، اراده حاکم، همان قانون است و مشروعیت خود را از قرارداد اجتماعی برای حفظ امنیت می‌گیرد. با این حال به نظر می‌رسد مبنای مشروعیت این دو رویکرد با یکدیگر متفاوت است. مطابق

^{۱۰} Jürgen Habermas, *The Theory of Communicative Action: Reason and the Rationalization of Society* (Boston: Beacon Press, 1984/2020), 67

^{۱۱} مجتبی جاویدی، «تجلی سوپرنیتیویته در نظریه اراده عمومی ژان ژاک روسو»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۱، ۱ (۱۴۰۰): ۳۵۵

^{۱۲} ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه سعید حبیبی (تهران: نشر مهتاب، ابرسفید، ۱۳۹۹)، ۲۵.

^{۱۳} ریچارد پاپکین و آروم استرول، کلیات فلسفه، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی (تهران: نشر حکمت، ۱۴۰۳)، ۴۵.

دیدگاه هابز، قدرت مطلق نشأت گرفته از رضایت اولیه مردم است، بدین معنا که مردم با رضایت خود، قدرت مطلق را به حاکم واگذار می‌کنند. بنابراین این خود مردم هستند که می‌پذیرند حاکمی به صورت مطلق نسبت به آن‌ها حاکمیت داشته باشد. در مقابل در فردگرایی تقنینی، حداقل در حالتی که مقنن خود اختیار تصویب و تأیید برخی آیین‌نامه‌ها را به یک شخص خاص واگذار می‌کند، نمی‌توان مبنای این واگذاری را نمی‌توان اراده مردم نامید، چرا که تصمیم مردم برای انتخاب نمایندگان و تقنین در قوه قانونگذاری، به هیچ وجه به معنای ارائه اختیار به نمایندگان برای وضع قانون در غیر از فرایند دموکراتیک نیست.

۲- تحلیل قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۲-۱- مصادیق فردگرایی تقنینی در قانون آیین دادرسی کیفری

برای درک بهتر موضوع فردگرایی در وضع قوانین، بررسی قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات ۱۳۹۴) واجد توجه است، که در آن اجرای بسیاری از قوانین و مقررات مربوط به این قانون، منوط به نظر یا تشخیص، تصویب یا تأیید رئیس قوه قضائیه شده است. برای تحلیل بهتر این موضوع، نخست مصادیق این موضوع و در ادامه آثار نامطلوب احتمالی آن‌ها بررسی خواهد شد.

مصادیق فردگرایی در مرحله تحقیقات مقدماتی: تشخیص رئیس قوه قضائیه برای تشکیل دادرسی‌های تخصصی (ماده ۲۵)، تصویب آئین‌نامه مربوط به ضابطان دادگستری (ماده ۳۰)، تعیین و اعلام اسامی وکلایی که قادر به وکالت در پرونده‌های مربوط به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرایم سازمان یافته‌ای که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون باشد (تبصره ماده ۴۸)، تصویب اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد (ماده ۶۶ و تبصره ۳ آن)، تصویب آئین‌نامه چگونگی انجام کار در موسسات عام‌المنفعه (ماده ۸۴)، تصویب آئین‌نامه مربوط به حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم توسط گروه بررسی صحنه جرم (ماده ۱۳۰)، تصویب آئین‌نامه مربوط به شیوه نگهداری اموال و پرداخت هزینه‌های مربوط به آلات و ادوات جرم (ماده ۱۴۷)، تأیید کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ (ماده ۱۵۰)، تصویب آئین‌نامه چگونگی واگذاری ابلاغ اوراق قضایی به بخش خصوصی (ماده ۱۷۶)، تصویب آئین‌نامه مربوط به نگهداری شخص مجنون در مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (ماده ۲۰۲)، تصویب آئین‌نامه مربوط به تدابیر لازم از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان شاهد یا مطلع در صورت احتمال بروز خطر یا تهدید برای آن‌ها از جانب متهم، متهمان یا شاکی (تبصره ۱ ماده ۲۱۴)، تصویب آئین‌نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و بندهای (ج) و (چ) ماده ۲۱۷ (ماده ۲۵۲)، انتخاب قضات کمیسیون جبران خسارت استانی (ماده ۲۵۷)، انتخاب قضات کمیسیون ملی جبران خسارت (ماده ۲۵۸)، تصویب آئین‌نامه مربوط به شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت (ماده ۲۶۱)، اختیار انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضائی دادرسی (ماده ۲۸۹).

مصادیق فردگرایی در مرحله رسیدگی دادگاه‌ها و مسائل مرتبط با دادگاه‌ها: اختیار تشکیل دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی شهرستان‌ها (تبصره ۱ ماده ۲۹۶)، اختیار تشکیل دادگاه عمومی بخش در حوزه قضائی بخش (ماده ۲۹۹)، اختیار تشکیل دادگاه‌های عمومی بخش در شهرستان‌های جدید (تبصره ۱ ماده ۲۹۹)، تشکیل دادگستری با صلاحیت و تشکیلات دادگستری شهرستان در حوزه قضائی بخش (تبصره ۲ ماده ۲۹۹)، اختیار موافقت یا مخالفت با انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده‌ها در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است (تبصره ۲ ماده ۲۵۳)، انتخاب قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان با لحاظ شرایط مقرر قانونی (ماده ۴۰۹)، پیشنهاد احاله در مواردی که برای حفظ نظم و امنیت عمومی ضرورت داشته باشد (ماده ۴۲۰)، صدور ابلاغ مربوط به تعیین مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات

دادگاه اطفال و نوجوانان (ماده ۴۴۴)، تشخیص خلاف شرع بین بودن آراء قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی و تجویز اعاده دادرسی (ماده ۴۷۷)، تعیین شعب خاص دیوانعالی کشور برای رسیدگی به موارد اعاده دادرسی (ماده ۴۷۷)، تشخیص خلاف شرع بین بودن آراء شعب دیوانعالی کشور در باب تجویز اعاده دادرسی و دستورهای موقت دادگاهها (تبصره ۲ ماده ۴۷۷).

مصادیق فردگرایی در مرحله اجرای احکام کیفری: تشخیص مناطق مدنظر برای تشکیل معاونت اجرای احکام کیفری (ماده ۴۸۴)، اختیار تصویب استقرار معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن در زندانها و یا موسسات کیفری (تبصره ۲ ماده ۴۸۴)، تصویب آئین نامه مربوط به استقرار معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن در زندانها و یا موسسات کیفری (تبصره ۲ ماده ۴۸۴)، تصویب آئین نامه مربوط به ترتیب ثبت و تنظیم مشخصات افراد موضوع ماده ۴۸۸ و نیز امکان دسترسی به این اطلاعات و چگونگی تشکیل و راه اندازی شبکه الکترونیکی سجل کیفری (تبصره ۱ ماده ۴۸۸)، موافقت با عفو یا تخفیف مجازات محکوم علیه برای پیشنهاد به مقام رهبری و صدور دستور توقف اجرای حکم در غیر مجازات حبس (ماده ۵۰۴)، تصویب آئین نامه مربوط به مرخصی زندانیان (ماده ۵۲۰)، اختیار اعطای مرخصی به زندانیان علاوه بر سقف تعیین شده تا دوبار در سال به زندانیان واجد شرایط (تبصره ۵ ماده ۵۲۰)، تشخیص مناطق مورد نیاز برای تشکیل کانونهای اصلاح و تربیت در مناطقی غیر از مراکز استانها (ماده ۵۲۵)، تصویب آئین نامه اجرائی مربوط به نحوه نگهداری و طبقه بندی محکومان و متهمان، اشتغال و حرفه آموزی آنان، برنامه های بازپروری، نحوه ملاقات زندانیان، نحوه اداره کانونهای اصلاح و تربیت و کیفیت اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان در آنجا، طبقه بندی اطفال و نوجوانان از حیث جنس، سن، نوع جرائم و امور اجرائی این کانونها و نحوه اجرای مجازات حبس (ماده ۵۲۸)، تصویب آئین نامه اجرائی نحوه اجرای مجازاتهای سلب حیات، قطع عضو، قصاص عضو و جرح، شلاق، تبعید، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل های معین (ماده ۵۴۹)، تصویب آئین نامه مربوط به نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی مطابق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و نیز نحوه اجرای مجازاتهای جایگزین حبس (ماده ۵۵۷ و تبصره ذیل آن در خصوص جرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح)، تصویب تعرفه مربوط به هزینه ایاب و ذهاب گواهان (تبصره ۳ ماده ۵۶۰)، تصویب آئین نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضائی اعم از حقوقی و کیفری موضوع ماده ۵۶۶ (ماده ۵۶۶ و تبصره ذیل آن).

مصادیق فردگرایی در آیین دادرسی کیفری سازمان قضائی نیروهای مسلح: انتخاب رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح (ماده ۵۷۲)، ایجاد تشکیلات قضائی و اداری در سازمان قضائی نیروهای مسلح و انتصاب قضات این سازمان و تغییر سمت یا محل خدمت آنها با رعایت اصل ۱۶۴ قانون اساسی (تبصره ماده ۵۷۳)، تعیین حوزه قضائی دادسرای نظامی نواحی (ماده ۵۷۸)، تشخیص استقرار یک یا چند شعبه از دادگاههای نظامی استان در دادسراهای نواحی موضوع ماده ۵۷۸ (ماده ۵۸۰)، تشخیص تشکیل شعبه یا شعبی از دادسرای نظامی در محل استقرار تیپهای مستقل رزمی و بالاتر و یا رده همتراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین (ماده ۵۸۹)، تشخیص تشکیل دادگاههای نظامی زمان جنگ در محل قرارگاههای عملیاتی، مراکز استانها یا سایر مناطق مورد نیاز (ماده ۵۹۰)، تعیین حوزه قضائی دادگاههای نظامی زمان جنگ (تبصره ۱ ماده ۵۹۰)، صدور ابلاغ برای قضات سازمان قضائی جهت عضویت در دادسرا یا دادگاه نظامی زمان جنگ با حفظ سمت (تبصره ماده ۵۹۳)، اختیار انحلال دادگاههای نظامی زمان جنگ (تبصره ماده ۵۹۵)، تصویب آئین نامه مربوط به دوره های آموزشی حین خدمت ضابطان نظامی به منظور کسب مهارت های لازم و ایفای وظایف قانونی (تبصره ماده ۶۰۴)، تصویب آئین نامه نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادسراها و دادگاههای نظامی (ماده ۶۴۶).

مصادیق فردگرایی در ساختار و سازمان قوه قضائیه: ریاست شورای راهبردی دادرسی الکترونیکی (ماده ۶۴۹)، انتخاب سه نفر برای عضویت در شورای راهبردی دادرسی الکترونیکی (بند ض ماده ۶۴۹)، تصویب مصوبات شورای راهبردی

دادرسی الکترونیکی (تبصره ۱ ماده ۶۴۹)، تصویب آئین‌نامه مربوط به نحوه و میزان دسترسی مراجع قضائی ذی‌صلاح به اطلاعات مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه (تبصره ۱ ماده ۶۵۰)، تصویب آئین‌نامه مربوط به چگونگی در اختیار گذاشتن اسناد، مدارک و اطلاعات مربوط به مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه در اختیار مراکز علمی، پژوهش‌شکده‌ها و پژوهشگران (تبصره ۲ ماده ۶۵۰)، تصویب آئین‌نامه مربوط به ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضائی با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی (تبصره ۲ ماده ۶۵۵)، تصویب آئین‌نامه مربوط به آموزش دادرسی الکترونیکی به قضات، کارکنان قضائی، دستگاه‌های تابعه قضائی و مراجع انتظامی (ماده ۶۶۳)، تصویب آئین‌نامه اجرائی نحوه نگهداری و مراقبت از ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده (ماده ۶۸۴).

۲-۲-۲- تحلیل آماری مصادیق فردگرایی در قانون آیین دادرسی کیفری

۲-۲-۲-۱- شمار و درصد

| ردیف | مرحله | تعداد | درصد از کل | مصادیق |
|------|----------------------------|-------|------------|--|
| ۱ | تحقیقات مقدماتی | ۱۷ | ۳۶ درصد | بیشترین تمرکز بر تصمیمات تقنینی در آغاز فرایند دادرسی (تشکیل دادرسی‌های تخصصی، تعیین ضابطان، تصویب آیین‌نامه‌های تحقیق، کنترل مکالمات و ...) |
| ۲ | رسیدگی دادگاه‌ها | ۱۱ | ۲۲ درصد | تمرکز بر ساختار دادگاه‌ها، ترکیب قضات، احاله، تجویز اعاده دادرسی، و تعیین صلاحیت‌ها |
| ۳ | اجرای احکام کیفری | ۱۴ | ۲۸ درصد | مصادیق مربوط به آیین‌نامه‌های اجرایی، عفو، مرخصی، تشکیل کانون‌های اصلاح و تربیت، نحوه اجرای مجازات‌ها |
| ۴ | سازمان قضایی نیروهای مسلح | ۱۰ | ۲۰ درصد | مصادیق مربوط به ایجاد، انحلال و تشکیلات قضایی نظامی، تعیین حوزه‌ها، و انتصاب قضات |
| ۵ | ساختار و سازمان قوه قضائیه | ۸ | ۱۶ درصد | تمرکز بر دادرسی الکترونیکی، شورای راهبردی، داده‌های قضایی و دسترسی‌ها |

۲-۲-۲-۲- تحلیل ماهوی نوع فردگرایی

| ردیف | نوع اختیار | تعداد | درصد | مصادیق |
|------|------------------------------------|-------|------|--|
| ۱ | تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها | ۲۶ | ۴۲/۶ | شامل تصویب آیین‌نامه ضابطان، آیین‌نامه زندان‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت، دادرسی الکترونیکی، نگهداری شواهد و مدارک و ... (مواد ۲۵، ۳۰، ۸۴، ۱۳۰، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۷۶، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵ |

| | | | | |
|---|---------------------------------------|----|------|---|
| ۲ | تشکیل یا انحلال مراجع قضایی | ۹ | ۱۴/۸ | شامل تشکیل دادرسیهای تخصصی، دادگاههای کیفری و عمومی، شعب دیوان عالی و دادگاههای نظامی (مواد ۲۵، ۲۹۶، ۲۹۹، ۴۸۴، ۵۲۵، ۵۷۲، ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۹۵) |
| ۳ | انتصابات و جابه‌جایی قضات و مدیران | ۶ | ۹/۸ | شامل انتصاب، تغییر شغل و جابه‌جایی قضات در دادرسیها، کمیسیونها و سازمان قضایی نیروهای مسلح (مواد ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۸۹، ۴۷۷، ۵۷۳، ۵۹۳) |
| ۴ | تعیین صلاحیتها و نظارت ویژه | ۵ | ۸/۲ | شامل احاله پروندهها، تشخیص ضرورت حفظ نظم، صدور ابلاغ برای تجدیدنظر و نظارت‌های خاص قضایی (مواد ۴۲۰، ۴۴۴، ۴۷۷ و تبصرهها، ۵۰۴) |
| ۵ | امور مربوط به آزادیها، عفو و مجازاتها | ۵ | ۸/۲ | شامل مرخصی، عفو، آزادی مشروط و اجرای مجازاتهای جایگزین حبس (مواد ۵۰۴، ۵۲۰، ۵۲۸، ۵۵۷، ۵۴۹) |
| ۶ | سایر امور مدیریتی و اجرایی | ۱۰ | ۱۶/۴ | شامل تصویب تعرفهها، تأیید نهادهای مردم‌نهاد، تعیین وکلا، تصویب دستورالعمل‌های پژوهشی و دسترسی به اطلاعات (مواد ۴۸، ۶۶، ۱۳۰، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۷۶، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۶۹، ۲۵۰، ۲۶۵، ۲۶۳، ۶۸۴) |

۳-۲- ارزیابی کیفی

با توجه به تقسیم‌بندی موضوع به پنج مرحله، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی دادگاهها، اجرای احکام کیفری، سازمان قضایی نیروهای مسلح و ساختار و سازمان قوه قضائیه، رویکرد خاص فردگرایی تقنینی در هر مرحله به صورت مجزا بررسی خواهد شد.

۳-۲-۱- فردگرایی در مرحله تحقیقات مقدماتی: در این مرحله، فردگرایی جنبه‌ی «ساختاری - تنظیمی» دارد. یعنی شخص رئیس قوه نه‌تنها مقام اجرایی بلکه مقام مقررگذار و حتی سیاست‌گذار محسوب می‌شود. این مرحله مهم‌ترین نقطه آغاز دادرسی است و تعیین‌کننده شکل‌گیری پرونده و مسیر قضایی آن محسوب می‌شود. فردگرایی تقنینی در این سطح به چند شکل بارز دیده می‌شود:

تصمیم‌گیری درباره تشکیل دادرسیهای تخصصی: رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند چه دادرسیهایی تشکیل شود و چه صلاحیت‌هایی داشته باشند. این اختیار، استقلال سازمانی و تخصصی نهادهای تحقیقاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند به سمت اولویت‌بندی دلخواه موضوعات برود.

تصویب آیین‌نامه‌های ضابطان و کنترل مکالمات: نقش رئیس قوه قضائیه در تصویب آیین‌نامه‌ها، نحوه عمل ضابطان و کنترل ارتباطات، به معنای تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در آغاز فرایند دادرسی است. این موضوع می‌تواند بر کیفیت تحقیقات و آزادی‌های فردی تأثیر بگذارد.

از پیامدهای احتمالی این موضوع می‌توان تمرکز قدرت در تحقیقات مقدماتی، افزایش ریسک سلیقه‌ای شدن تصمیمات، کاهش منافع جمعی و شفافیت قضایی را نام برد. همچنین عقلانیت جمعی نهادهای قضایی، که می‌توانست با تجربه جمعی تصمیم‌گیری کند، به حاشیه رانده می‌شود. این تمرکز قدرت با نظریه روسو در تضاد است، زیرا اراده فردی جایگزین اراده عمومی می‌شود و شهروندان در شکل‌دهی قوانین و آیین‌نامه‌ها نقش مستقیم ندارند. در نتیجه، تمرکز اختیارات در دست رئیس قوه قضائیه می‌تواند منجر به کاهش آزادی و مشروعیت قانونی گردد.

۲-۳-۲- فردگرایی در مرحله رسیدگی دادگاه‌ها

مرحله رسیدگی دادگاه‌ها: اینجا فردگرایی دیگر صرفاً اداری نیست، بلکه قضایی و ماهوی است. یعنی شخص رئیس قوه در قلمرو قضاوت - که باید کاملاً مستقل و بر اساس اصل بی‌طرفی باشد - قدرت ورود مستقیم به محتوای آراء را دارد. این نوع مداخله فردی می‌تواند استقلال قضات و اصل تفکیک وظایف دادرسی را تضعیف کند. در این سطح، فردگرایی تقنینی در چند حوزه متمرکز است:

تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت‌ها: اختیار رئیس قوه قضائیه در تشکیل دادگاه‌های کیفری و عمومی یا شعب دیوان عالی کشور، نشان‌دهنده تمرکز شدید تصمیم‌گیری است. این موضوع استقلال قضات را محدود می‌کند و امکان دخالت فردی در ارزیابی صلاحیت و ترکیب دادگاه‌ها را فراهم می‌کند.

صدور ابلاغ و اعاده دادرسی: تصمیمات مربوط به احاله پرونده‌ها و تجویز اعاده دادرسی می‌تواند بر روند رسیدگی تأثیر مستقیم بگذارد و اجرای عدالت را تحت تأثیر اراده فرد قرار دهد.

فردگرایی در این مرحله می‌تواند موجب محدودسازی عقلانیت جمعی قضات گشته و عدالت قضایی ممکن است به سلیقه یا خط مشی شخص رئیس گره بخورد. این اختیارات نشان‌دهنده تمرکز قدرت تصمیم‌گیری قضایی در یک نقطه است و می‌تواند استقلال و بی‌طرفی فرآیند قضایی را به چالش بکشد. از منظر فلسفی، چنین تمرکزی با نظریه لاک درباره رضایت حکومت‌شوندگان در تضاد است، چرا که افراد تحت حکومت در این مرحله هیچ نقشی در تصمیمات قضایی ندارند.

۳-۳-۲- فردگرایی در مرحله اجرای احکام:

در سطح اجرای احکام، فردگرایی تقنینی عمدتاً در حوزه آیین‌نامه‌های اجرایی و تصمیمات مرتبط با اجرای مجازات‌ها نمود دارد. در این مرحله، فردگرایی بیشتر رنگ و بوی «کنترل سازمانی» دارد. به‌جای تفویض اختیار به مدیران زندان‌ها، دادستان‌ها یا شوراهای تخصصی، تمرکز قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در رأس هرم باقی مانده است. این امر سبب کاهش چابکی نظام اجرایی عدالت کیفری و افزایش وابستگی به تصمیمات فردی می‌شود. مهم‌ترین مصادیق این حوزه عبارتند از:

تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی و نظارت بر زندان‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت: این اختیار باعث می‌شود اجرای قانون به تصمیم یک فرد خاص وابسته شود و استانداردهای اجرایی تا حد زیادی تابع اراده رئیس قوه قضائیه شود.

عفو، مرخصی و آزادی مشروط: اختیار اعطای مرخصی و تصویب آیین‌نامه‌های مربوط به تخفیف مجازات، اجرای عدالت کیفری را به تصمیم شخصی محدود می‌کند و امکان یکسان‌سازی رفتار قضایی را کاهش می‌دهد.

این تصمیمات، اگرچه برای مدیریت اجرایی ضروری است، اما تمرکز آن در دست یک فرد، امکان استفاده دلخواه از قدرت را فراهم می‌کند و می‌تواند حقوق شهروندان را محدود کند. این با اصول عدالت قضایی و مشارکت جمعی مغایرت دارد و نشان‌دهنده یک ساختار فردمحور در اجرای قوانین کیفری است.

۴-۳-۲- فردگرایی در سازمان قضایی نیروهای مسلح

در این حوزه، فردگرایی رنگ و بوی امنیتی و سازمانی دارد. یعنی تصمیم‌گیری در مورد دادگاه‌ها، حوزه‌ها و تشکیلات نظامی، بدون سازوکار شورایی یا نظارت بیرونی انجام می‌شود. این نوع تمرکز قدرت در حوزه نظامی، خطر تعارض با اصول دادرسی عادلانه و استقلال نظامی قضات را افزایش می‌دهد. در این سطح، فردگرایی تقنینی با تمرکز تشکیلاتی و اقتدار ویژه ترکیب می‌شود. مهم‌ترین مصادیق این حوزه عبارتند از:

انتخاب رئیس و انتصاب قضات نظامی، ایجاد یا انحلال دادگاه‌ها: این اختیارات، استقلال سازمانی و ساختاری نیروهای قضایی نظامی را به شدت کاهش می‌دهد و تصمیمات اجرایی و قضایی را مستقیماً به اراده یک فرد مرتبط می‌کند.

تعیین حوزه‌های قضایی و استقرار شعب: تمرکز اختیار در تعیین حوزه‌های قضایی و استقرار شعب باعث می‌شود انعطاف‌پذیری ساختار قضایی به تصمیم فردی وابسته شود.

۵-۳-۲- ساختار قوه قضائیه

در این سطح، فردگرایی تقنینی جنبه راهبردی و مدیریتی کلان پیدا می‌کند. فردگرایی به سطح سیاست‌گذاری دیجیتال و فناوریانه رسیده است. یعنی حتی در حوزه‌های تخصصی که نیاز به تصمیمات فنی و کارشناسی دارند، تصمیم نهایی فردی است، نه شورایی. این موضوع می‌تواند مانع از شکل‌گیری حکمرانی مشارکتی در قوه قضائیه شود.

دادرسی الکترونیکی، دسترسی به داده‌های قضایی، تصویب دستورالعمل‌های آموزشی: همه این تصمیمات کلان به تصویب و تصمیم یک شخص وابسته است. حتی برنامه‌ریزی برای مدیریت داده‌های قضایی و سیاست‌گذاری راهبردی در دادرسی الکترونیکی تحت کنترل رئیس قوه قضائیه است. این موضوع می‌تواند فراتر از اجرای قانون، استقلال مدیریت قضایی، شفافیت اطلاعاتی و امکان نظارت جمعی را محدود می‌کند و تصمیمات مدیریتی را به اراده فردی وابسته سازد.

۴-۲- ایرادات وارد بر قانون آیین دادرسی کیفری

۱-۴-۲- تناقض با فلسفه قانون‌گذاری

گذشته از آنکه تمرکز گسترده‌ی اختیارات در قالب صدور ابلاغ‌ها، تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، تشخیص، ریاست و سایر ابزارهای مشابه، در تعارض آشکار با فلسفه‌ی قانون‌گذاری و اصل تفکیک قواست، پیامد عمیق‌تر آن تأثیر مستقیم بر حقوق بنیادین شهروندان است. هنگامی که اختیارات تقنینی یا شبه‌تقنینی در سطح گسترده‌ای در اختیار رئیس قوه قضائیه قرار می‌گیرد، عملاً امکان وضع یا تغییر مقرراتی که بر آزادی، امنیت، حق دادرسی عادلانه و سایر حقوق اساسی افراد اثرگذار است، بدون مشارکت نهاد قانون‌گذار و بدون نظارت عمومی فراهم می‌شود. این تمرکز قدرت نه تنها مرز میان «اجرا» و «تقنین» را مخدوش می‌سازد، بلکه خطر شخصی شدن تصمیمات قضایی و تقنینی را افزایش می‌دهد و می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف شفافیت، پاسخ‌گویی و اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری گردد.

۲-۴-۲- تعارض با قانون اساسی

مطابق اصل سی و ششم قانون اساسی جمهوری ایران، «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد»، لزوم مستند و مستدل بودن فرایند رسیدگی و اجرای مجازات به «قانون»، موضوعی است که حتی در صورت عدم تصریح آن در قانون اساسی، امکان اخذ آن از اصل مبنایی «قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» نیز وجود داشت. با این حال در تعارض با اصل مذکور، در ماده ۵۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری، اختیار تصویب آیین‌نامه اجرائی نحوه اجرای مجازات‌های سلب حیات، قطع عضو، قصاص عضو و جرح، شلاق، تبعید، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین به ریاست قوه قضائیه محول شده است. موضوعی که در عمل موجب می‌شود که نحوه اجرای برخی از مهم‌ترین مصادیق مجازات‌های سالب حیات و سالب آزادی به صلاح‌دید و تشخیص یک نفر (ولو بالاترین مقام قوه قضائیه) واگذار شود. مسئله‌ای که با توجه به نرخ بالای محکومان به این مجازات‌ها در سیستم قضائی ایران، جای تردیدی در خصوص بسترسازی برای (و احتمال) نقض حقوق این افراد باقی نمی‌گذارد.

ممکن است به ایراد وارده اینگونه پاسخ داده شود که رئیس قوه قضائیه راسا اقدام به وضع این آیین‌نامه نمی‌نماید، بلکه با کسب نظر از متخصصین فن و علمای حقوق اقدام به وضع این آیین‌نامه می‌نماید (نموده است). در پاسخ باید بیان داشت که نفس این موضوع محل بحث است و نه کیفیت و شرایط اجرای آن. ممکن است رئیس قوه با کسب نظر از متخصصان اقدام به وضع آیین‌نامه‌ای با بهترین کیفیت نماید با این حال این موضوع نافی این حقیقت نمی‌باشد که واگذاری اصل این موضوع به یک شخص خاص محل ایراد است. به علاوه، بهره‌گیری رئیس قوه قضائیه از نظرات متخصصین در تدوین این آیین‌نامه، موضوعی است که نه تنها الزامی برای رئیس قوه ندارد که با توجه به ماهیت آیین‌نامه‌ای آن، اساسا مرجع نهایی تأیید یا رد آن شخص رئیس قوه خواهد بود. نیز با توجه به اینکه در سیستم اداری کشور، وضع آیین‌نامه‌های این چنینی معمولاً توسط نهادهای حقوقی و مشورتی زیرمجموعه همان نهاد صورت می‌گیرد، از اینرو در خصوص این آیین‌نامه نیز با ظن قریب به یقین باید این آیین‌نامه برآمد نظرات مجموعه حقوقی زیرنظر ریاست قوه قضائیه (در قالب کارگروه، معاونت و ...) دانست.

۳-۴-۲- تکثر وظایف و ناتوانی رئیس قوه قضائیه از اجرای وظایف

حتی اگر بپذیریم که در اختیار قراردادن این حجم از تکالیف و اختیارات برای رئیس قوه قضائیه امری مفید و ضروری است (که یقیناً این چنین نیست)، باز هم این ایراد مطرح است که ریاست قوه قضائیه چگونه قادر به انجام این حجم از تکالیف است. توضیح اینکه در سیستم موجود رئیس قوه قضائیه علاوه بر ریاست بر این قوه (با حجم عظیمی از وظایف و تکالیف)، در عین حال عضو شورای عالی فضای مجازی (به موجب حکم مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ مقام رهبری)، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ریاست شورای راهبردی دادرسی الکترونیکی (به موجب ماده ۶۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) و .. است که انجام وظایف در هر نهاد بیش از آنکه صرفاً پستی تشریفاتی- اداری باشد، وظیفه‌ای است که به طور مستقیم با حقوق شهروندان مرتبط بوده، کوتاهی یا خلل در آن می‌تواند آثار سوئی را بر حقوق شهروندان داشته باشد. اکنون سوال این است که ارجاع این میزان مسئولیت و نیز اختیار به یک شخص با توجه به حساس بودن هر یک از این موارد، تا چه اندازه می‌تواند موجبات بهره‌وری را فراهم کرده و تا چه حد می‌تواند موجبات تجمیع قدرت و انحراف از مسیر قانون را باعث شود. به نظر می‌رسد، حتی در فرض اینکه رئیس قوه (با هر مسئولی با این حجم از اختیارات و تکالیف) بتواند به خوبی وظایف و تکالیف خود

را به انجام برساند، باز هم پیش‌بینی این حجم از اختیارات برای چنین شخصی، ولو با تدوین قانون، برخلاف اصل حکومت قانون است.^{۱۴}

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داده است که «فردگرایی تقنینی» در نظام حقوقی ایران، به‌ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات ۱۳۹۴)، از حیث گستره و عمق، به مرحله‌ای رسیده است که می‌تواند یکی از مهم‌ترین چالش‌های ساختاری در فرآیند قانون‌گذاری و اجرای قانون محسوب شود. مفهوم فردگرایی تقنینی در این نوشتار ناظر به تمرکز اختیارات تقنینی یا شبه‌تقنینی در اراده‌ی یک فرد خاص است، به نحوی که اجرای قانون و حتی تعیین حدود و ثغور آن، به تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، یا تشخیص و تأیید همان فرد وابسته می‌گردد. بررسی دقیق قانون آیین دادرسی کیفری نشان می‌دهد که در بیش از شصت مورد، اجرای مفاد قانونی منوط به تصمیم مستقیم یا غیرمستقیم رئیس قوه قضائیه شده است. این امر نه‌تنها نشانگر نوعی تمرکز شدید صلاحیت‌های مقررگذاشته در سطح فردی است، بلکه بیانگر گذار از الگوی قانون‌گذاری جمعی (عقلانیت جمعی) به الگوی تصمیم‌گیری فردمحور نیز می‌باشد.

از منظر نظری، نتایج پژوهش تأیید می‌کند که فردگرایی تقنینی نوعی انحراف از مبانی مردم‌سالارانه‌ی قانون‌گذاری است. فلسفه‌ی وجودی قوه‌ی مقننه در نظام‌های حقوقی مدرن، تضمین مشارکت عمومی و عقلانیت جمعی در تصمیم‌گیری‌های کلان است؛ زیرا قانون، بر خلاف آیین‌نامه یا دستورالعمل، نه ابزار مدیریت اجرایی بلکه تجلی اراده‌ی عمومی است. روسو در قرارداد اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که شهروندان تنها زمانی آزادند که در شکل‌گیری قانونی که باید از آن تبعیت کنند، نقش داشته باشند. بر این اساس، هرگونه واگذاری اختیار تقنینی به شخص خاص، حتی اگر در چارچوب یک قانون مصوب صورت گیرد، در عمل به معنای حذف اراده‌ی عمومی و جایگزینی آن با اراده‌ی فردی است. به بیان دیگر، فردگرایی تقنینی از حیث ماهوی در تعارض با مبانی جمهوریت و اصل حاکمیت قانون قرار دارد، زیرا قدرت تصمیم‌گیری در خصوص حقوق و آزادی‌های عمومی را از حوزه‌ی جمعی به سطح شخصی تنزل می‌دهد.

تحلیل مصادیق فردگرایی در قانون آیین دادرسی کیفری نشان می‌دهد که تمرکز این اختیارات در پنج سطح عمده رخ داده است: تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها (حدود ۴۲ درصد موارد)؛ تشکیل یا انحلال مراجع قضایی (۱۴ درصد موارد)؛ انتصابات و جابجایی مقامات قضایی (حدود ۹ درصد موارد)؛ تعیین صلاحیت‌ها و نظارت‌های ویژه (حدود هشت درصد)؛ امور مربوط به آزادی‌ها، عفو و اجرای مجازات‌ها (حدود هشت درصد) و سایر اختیارات مدیریتی و اجرایی (حدود ۱۶ درصد).

تحلیل کیفی این سطوح نشان می‌دهد که تمرکز قدرت در تمامی مراحل فرآیند کیفری، از تحقیقات مقدماتی تا اجرای احکام، در دست رئیس قوه قضائیه قرار گرفته است. این تمرکز عملاً موجب می‌شود که اجرای قانون به اراده‌ی یک مقام واحد گره بخورد؛ به‌گونه‌ای که تعلل یا مصلحت‌سنجی فردی در تصویب یک آیین‌نامه می‌تواند اجرای بخش قابل توجهی از قانون را معطل گذارد. چنین وضعیتی نه‌تنها با اصل تفکیک قوا ناسازگار است، بلکه با اصل حاکمیت قانون نیز در تعارض آشکار قرار دارد، زیرا قانون مصوب مجلس بدون تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی، قابلیت تحقق عینی نخواهد داشت.

از منظر فلسفه‌ی حقوق، این پدیده نوعی گذار از «عقلانیت جمعی» به «عقلانیت فردی» است. در عقلانیت جمعی، تصمیمات قانونی بر اساس مشورت، تضارب آراء، و نمایندگی منافع متکثر جامعه اتخاذ می‌شود؛ در حالی که در عقلانیت فردی، تصمیم‌گیری بر مبنای تشخیص و مصلحت یک فرد خاص صورت می‌گیرد. این تغییر رویکرد، آثار نهادی و رفتاری مهمی دارد:

۱۴. نبی‌اله غلامی، پیشگیری از جرایم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب (رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۹۸)، ۱۲۴-۱۲۵.

نخست، موجب تضعیف شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری می‌شود، زیرا تصمیمات شخصی عموماً فاقد دلایل عمومی و قابل‌بررسی هستند.

دوم، پاسخ‌گویی را کاهش می‌دهد، چرا که شخص تصمیم‌گیرنده الزاماً در برابر نهادهای منتخب عمومی پاسخ‌گو نیست. سوم، مشروعیت دموکراتیک قانون را زیر سؤال می‌برد، زیرا قانون به جای اینکه بازتاب اراده‌ی عمومی باشد، به محصول اراده‌ی اداری تبدیل می‌شود.

چهارم، خطر تعارض منافع نهادی و تمرکز قدرت را افزایش می‌دهد. به‌ویژه در جایی که قوه‌ی قضائیه هم مرجع تفسیر قانون است و هم مرجع تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی آن.

در تحلیل آثار عملی، مشاهده می‌شود که فردگرایی تقنینی به شکل مستقیم بر حقوق بنیادین شهروندان نیز اثر می‌گذارد. بسیاری از اختیاراتی که در قانون آیین دادرسی کیفری به رئیس قوه قضائیه واگذار شده، به حوزه‌هایی چون حق دفاع، حق دسترسی به وکیل، حق دادرسی عادلانه، و آزادی‌های شخصی مربوط است. برای مثال، محدود کردن انتخاب وکیل در پرونده‌های امنیتی (تبصره ماده ۴۸) یا واگذاری تعیین آیین‌نامه‌های مرتبط با ضابطان قضایی و اجرای احکام به تشخیص رئیس قوه، در عمل می‌تواند به تحدید حقوق دفاعی متهمان و کاهش شفافیت قضایی منجر شود. این موارد مصداق بارز آن است که تمرکز تقنینی در دست یک فرد، می‌تواند از سطح اداری فراتر رود و به حوزه‌ی حقوق اساسی نفوذ کند.

از منظر نظریه‌های مشروعیت سیاسی نیز، فردگرایی تقنینی با الگوی مشروعیت مبتنی بر رضایت عمومی سازگار نیست. در نظریه‌ی هابز، تمرکز قدرت در دست حاکم، بر پایه‌ی رضایت اولیه‌ی مردم برای حفظ امنیت توجیه می‌شود؛ اما در فردگرایی تقنینی، چنین رضایتی وجود ندارد. در واقع، مردم تنها به نمایندگان خود در مجلس اختیار قانون‌گذاری داده‌اند و نه به مقامات اجرایی برای وضع مقررات مستقل. به همین دلیل، مشروعیت تصمیمات ناشی از فردگرایی تقنینی، فاقد بنیان دموکراتیک بوده و به نوعی «مشروعیت اقتداری»^{۱۵} شباهت دارد. این نوع مشروعیت، هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت موجب انسجام اجرایی شود، در بلندمدت به فرسایش اعتماد عمومی نسبت به عدالت و قانون می‌انجامد.

تحلیل تطبیقی با نظریه‌ی روسو نشان می‌دهد که فردگرایی تقنینی در نقطه‌ی مقابل اراده‌ی عمومی قرار دارد. اگر مطابق اندیشه‌ی روسو، قانون باید محصول اراده‌ی جمعی برای خیر مشترک باشد، در فردگرایی تقنینی، قانون یا اجرای آن تابع اراده‌ی شخصی است که لزوماً خیر عمومی را نمایندگی نمی‌کند. در این چارچوب، شهروندان از موقعیت «قانون‌گذار» به موقعیت «تابع قانون» تنزل می‌یابند و فرآیند قانون‌گذاری از حالت مشارکتی به حالت انفعالی تبدیل می‌شود. به تعبیر دیگر، فردگرایی تقنینی به معنای حذف عنصر مشارکت در فرآیند شکل‌گیری و اجرای قانون است و در نتیجه، آزادی سیاسی به معنای واقعی آن (یعنی مشارکت در اراده‌ی قانون‌گذار) از میان می‌رود.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که تداوم روند فعلی در قانون‌گذاری و اجرای قانون آیین دادرسی کیفری، پیامدهایی فراتر از مسائل اجرایی دارد. این پدیده به تدریج به بازتولید ساختارهای تمرکزگرایانه، تضعیف استقلال نهادی، و تداخل مرزهای تقنین و قضا منجر می‌شود. در چنین وضعیتی، نظام عدالت کیفری از مسیر حاکمیت قانون به مسیر حاکمیت فرد میل می‌کند؛ مسیری که در بلندمدت می‌تواند بنیان اعتماد عمومی به عدالت را متزلزل سازد.

به‌طور خلاصه، فردگرایی تقنینی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نشانه‌ای از خلأ نهادی در تفکیک میان سطح تقنین و اجراست. علاج این وضعیت در اصلاح ساختاری نظام قانون‌گذاری، بازتعریف حدود صلاحیت مقامات اجرایی در وضع

¹⁵. authoritarian legitimacy

آیین‌نامه‌ها، و تقویت نقش نهاد قانون‌گذار در نظارت بر فرآیند مقررہ‌گذاری است. تنها از رهگذر چنین اصلاحاتی است که می‌توان از خطر بازگشت به قانون‌گذاری شخص‌محور جلوگیری کرده و حاکمیت قانون را بر مبنای اراده‌ی عمومی، نه اراده‌ی فردی، استوار ساخت.

از این رو، پیشنهاد می‌شود در بازنگری‌های آتی قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مشابه، مواردی که اجرای قانون را منوط به تصویب آیین‌نامه یا دستورالعمل توسط رئیس قوه قضائیه کرده‌اند، به نهادهای جمعی‌تری چون شورای عالی قضایی یا هیأت‌های مشترک میان قوه قضائیه و مجلس واگذار شود. این امر نه تنها به بازگشت عقلانیت جمعی در تصمیم‌گیری‌های اجرایی می‌انجامد، بلکه موجب تقویت شفافیت، پاسخ‌گویی و مشروعیت دموکراتیک در فرآیند عدالت کیفری خواهد شد.

منابع

جاویدی، مجتبی. «تجلی سوبژکتیویته در نظریه اراده عمومی ژان ژاک روسو». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۱ (۱۴۰۰): ۳۵۵-۳۷۴.

پاپکین، ریچارد، و آروم استرول. کلیات فلسفه. ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی. چاپ سی‌وهفتم. تهران: نشر حکمت، ۱۴۰۳.

غلامی، نبی‌اله. پیشگیری از جرایم حکومتی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب. رساله دکتری در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۹۸.

روسو، ژان ژاک. قرارداد اجتماعی. ترجمه سعید حبیبی. چاپ سوم. تهران: نشر مهتاب، ابرسفید، ۱۳۹۹.

Baiasu, Ionuț. "Kant's Formula of Autonomy: Continuity or Discontinuity?" *Philosophia* (2023). doi:10.1007/s11406-023-00642-z.

Beetham, David. *The Legitimation of Power*. 2nd ed. London: Palgrave Macmillan, 2021.

Bertram, Christopher. "Jean-Jacques Rousseau." In *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2023 Edition), edited by Edward N. Zalta. Accessed December 2023. <https://plato.stanford.edu/entries/rousseau/>.

Cohen, Joshua. *Rousseau: A Free Community of Equals*. Oxford: Oxford University Press, 2022.

Dryzek, John S. *Deliberative Democracy and Beyond: Liberals, Critics, Contestations*. Oxford: Oxford University Press, 2020.

Elster, Jon. *Constitutionalism and Democracy Revisited*. Cambridge: Polity Press, 2022.

Folland, Adam. "The Harm Principle and the Nature of Harm." *Utilitas* 34, no. 2 (2021): 139-153. doi:10.1017/S0953820821000352.

Habermas, Jürgen. *The Theory of Communicative Action: Reason and the Rationalization of Society*. Boston: Beacon Press, 1984/2020.

Hobbes, Thomas. *Leviathan*. Edited by Richard Tuck. Cambridge: Cambridge University Press, 1651/1996.

Locke, John. *Two Treatises of Government*. Edited by Peter Laslett. Cambridge: Cambridge University Press, 1690/1988.

Rawls, John. *A Theory of Justice*. Revised edition. Cambridge, MA: Harvard University Press, 1999/2020.

Rousseau, Jean-Jacques. *The Social Contract and Other Political Writings*. Oxford: Oxford University Press, 1762/2019.

"Self-Legislation and the Apriority of the Moral Law." *Philosophia* (2023). doi:10.1007/s11406-023-00643-y.

Sunstein, Cass R. *Law and Leviathan: Redeeming the Administrative State*. New Haven: Yale University Press, 2023.

Taylor, Matthew. "The Harm Threshold and Mill's Harm Principle." *Theoretical Medicine and Bioethics* 45, no. 1 (2024): 5-23. doi:10.1007/s11017-023-09652-0.

Tuckness, Alex. "Locke's Political Philosophy." In *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2021 Edition), edited by Edward N. Zalta. Accessed June 2021. <https://plato.stanford.edu/entries/locke-political/>.

Uzgalis, William. "John Locke." In *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2024 Edition), edited by Edward N. Zalta. Accessed December 2024. <https://plato.stanford.edu/entries/locke/>.

Waldron, Jeremy. *Political Political Theory: Essays on Institutions*. Cambridge, MA : Harvard University Press, 2021.